

فکری است. شاخه‌های مکتب سیاسی ولایت را باید از ولی زمان یاد گرفت نه کسانی که مدعی خط امامی دارند ولی با دشمنان دیروز امام که هنوز هم بر تفرکات گذشته خود تاکید دارند رفاقت می‌ورزند و حاضر نیستند از آنان برائت جویند. امام خامنه‌ای همچون مقتدای خود حضرت امام خمینی(ره) شخصیت پرچانه‌ای دارند که هم در عمل و هم در گفتار بر پیوند دین و سیاست تاکید می‌کنند. امام خامنه‌ای هم سیاستمداری بزرگ، پرنفوذ و تاثیرگذار در عرصه جهانی و هم تجسم اخلاق و عرفان الهی هستند. ایشان همچون امام نقش مردم را در پشتیبانی از نظام و انقلاب اسلامی تعیین‌کننده دانسته و اصطلاح مردمسالاری دینی را برای تفکیک مفهوم آن با دموکراسی غربی مطرح می‌کنند. امام خامنه‌ای آرای مردم را در عرصه‌های جهانی نیز تاثیرگذار دانسته و راه‌حل مساله فلسطین را رجوع به آرای مردم می‌دانند. ایشان در طول دوران زعامت خود نگاه جهانی امام خمینی (ره) به انقلاب اسلامی را پیگیری کرده و مخاطب امام خامنه‌ای نیز در انجام رسالت رهبری کل بشریت است. راه تداوم این رسالت جهانی در مکتب امام خمینی و امام خامنه‌ای نفوذ بر قلوب و هدایت افکار عمومی جهانی برای رسیدن به عزت و استقلال سیاسی است. مقام معظم رهبری معتقدند مکتب سیاسی امام را نباید از شخصیت پرچانه ایشان جدا کرد. مکتب سیاسی امام خمینی (ره) برای بشریت و برای دنیا حرف تازه دارد و راه تازه پیشنهاد می‌کند. ایشان در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۱۴ در پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) اصول اساسی مکتب سیاسی امام خمینی را اصولی جدید در میان شاخه‌های مکاتب سیاسی رایج جهان معرفی و بر تثبیت و تداوم این اصول در سیاست‌های کلان نظام اسلامی تاکید می‌کنند. رهبری اصول مکتب سیاسی امام را چنین معرفی می‌کنند:

- ۱- پیوند دین و سیاست
- ۲- اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم
- ۳- نگاه بین‌المللی و جهانی به انقلاب اسلامی
- ۴- پاسداری از ارزش‌ها
- ۵- عدالت اجتماعی

■ **خط امام، محور وحدت در اندیشه رهبری**
در طول دوران زعامت مقام معظم رهبری، منازعات سیاسی بین گروه‌ها و جریان‌های سیاسی داخل نظام همیشه وجود داشته و متأسفانه از این بابت هزینه‌های مادی و معنوی زیادی بر جامعه تحمیل شده است. گروه‌های سیاسی برای اثبات حقانیت سیاسی خود متوسل به روش‌هایی می‌شوند که گاهی وحدت ملی را هم تهدید می‌کند. امام خامنه‌ای خط و راه امام را دارای چنان ظرفیتی می‌دانند که می‌تواند وحدت ملی را تحکیم کرده و به منازعات بی‌فایده پایان دهد، لذا به گروه‌ها و جریان‌های سیاسی توصیه می‌کنند که به خط امام برگردند و شاخه‌های این راه را محور اعمال و اندیشه خود قرار دهند. «وحدت عمومی، به معنای گریز از آماج صاحبان سلیقه‌ها و روش‌های گوناگون بر گرد محور اسلام، خط امام و ولایت فقیه است. این همان اعتصام به «جبل‌الله» است که عموم مسلمین بدان مکلف گشته‌اند؛ و این، آن اسم اعظمی است که همه گروه‌ها را باز، و همه موانع را برطرف، و همه شایطین را مغلوب می‌کند». (پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۶۸/۴/۲۳)

«سرفصل سوم، مربوط به مسائل سیاسی جامعه و همین رفاقت‌ها و برخورد‌ها خطی است. به نظر من، در این زمینه آنچه ما بگوییم، از آنچه که امام فرمودند، کمتر و نارساتر است. در این قضایا، امام لبّ مطلب را بارها گفتند. واقعاً به خط امام برگردیم. ۲ گروهند - باشند - اما چرا با هم متعارض می‌کنند؟ مگر نمی‌شود نقاط مشترک را هم در قبال افتراق محل مورد توجه قرار داد؟ چه اشکالی دارد که با هم معارضند - جمع‌های روحانی، جمع‌های دانشجویی، جمع‌هایی که در مجلس یا جاهای دیگر هستند - هر چند وقت یک بار با همدیگر بنشینند، آن نقاط مشترک فی‌ما بین خودشان را به زبان بیابورند؟ شما مگر در چند چیز با هم اختلاف دارید؟ مگر نقاط اختلاف، از نقاط اتفاق و وحدت نظر قوی‌تر و مهم‌تر است؟ چه کسی چنین چیزی را گفته است؟ چه کسی می‌تواند این حرف را ادعا بکند؟» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۸۴/۳/۱۰).



تأملی بر جلوه‌های روش و منش امام خمینی(ره) در مثنوی و اندیشه رهبر انقلاب

تفسیر آینده در آینه

که توسط امام خامنه‌ای از خط امام صورت می‌گیرد، قطعاً منطبق بر اندیشه‌های امام است. رهبر معظم انقلاب با درک این ضرورت که خط امام نباید در فضای مه‌الود ادعاهای و هیاهوهای سیاسی آسیب ببیند، به تبیین خط ناب امام خمینی پرداخته و آن را مشخصه حرکت نظام جمهوری اسلامی معرفی کرده‌اند. ایشان در ۱۳۷۱/۳/۱۴ در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) محورهای سلوک حکومتی امام خمینی را در موارد ذیل بیان کرده‌اند.

- ۱- ایستادگی در برابر تحمیل و نفوذ قدرت‌های خارجی و نداشتن سرسازش با این قدرت‌ها
- ۲- اهتمام به تعبد و عمل فردی و ایستادگی در برابر سلطه شیطان نفس و وسوسه‌های نفسانی
- ۳- اهمیت دادن به توانایی ملتها و «اصل» دانستن آنها
- ۴- اصرار بر وحدت مسلمین و مبارزه با تفرقه‌افکنی استکبار
- ۵- اصرار بر ایجاد روابط سالم دوستانه با دولت‌ها
- ۶- اصرار بر شکستن حصار تجر و التقات در فهم و عمل اسلامی و التزام به اسلام ناب
- ۷- نقش محوری دادن به نجات محرومان و تأمین عدالت اجتماعی
- ۸- توجه ویژه به مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و رژیم غاصب صهیونیستی
- ۹- حفظ وحدت ملی و ایجاد یکپارچگی در میان ملت ایران و اصرار بر مقابله و مبارزه با هر شعار تفرقه‌افکنانه
- ۱۰- حفظ مردمی بودن حکومت و ایجاد رابطه با مردم و حفظ ارتباط با آنها
- ۱۱- اصرار بر سازندگی کشور و تحویل یک نمونه عملی از کشور و جامعه اسلامی به جهان

■ **شاخه‌های مکتب سیاسی امام در اندیشه رهبری**
مکتب سیاسی امام خمینی دارای شاخه‌هایی است که از منون فقهی و اندیشه سیاسی اسلام سرچشمه گرفته است. راه امام خمینی راه اسلام ناب محمدی است، لذا این شاخه‌ها شاخه‌های مکتب سیاسی ولایت است و ولی ما امام خامنه‌ای هم در تبیین شاخه‌های این مکتب و هم در تداوم راه این مکتب پیشرو بوده‌اند و سوال اینجاست: کدام یک از این شاخه‌ها در دوره رهبری مقام معظم رهبری مورد خشنود قرار گرفته و ایشان به عنوان ولی فقیه در عمل از آن عدول کرده‌اند که عده‌ای با طرح ادعایی کاذب خود را خط امامی معرفی کرده و خط خود را از خط امام خامنه‌ای جدا می‌کنند؟ به نظر می‌رسد مدعی مذکور مدعایی مخدوش و محصول امراض اخلاقی یا انحرافات

که اسلام در ضعف شدید و مسلمانان در فقر و کشورهای اسلامی در نهایت عقب‌ماندگی بودند. دنیا را بر قدرت‌های الحادی بین خود تقسیم کرده و مسلمین را به تفرقه و دشمنی کشانده بودند. امام خمینی(ره) با درک این مشکلات با آرمان‌هایی بزرگ که عزت و پیشرفت و سرریلندی را به مسلمین بازمی‌گرداند قدم در راه مبارزه نهادند. مقام معظم رهبری آرمان‌های امام خمینی (ره) را چنین معرفی می‌کنند: «آرمان‌های بزرگی که امام(ره) بیان می‌کردند، عبارت بود از: مبارزه با استکبار جهانی، حفظ اعتدال قاطع در خط «نه شرقی و نه غربی»، اصرار فراوان بر استقلال حقیقی و همه‌جانبه ملت - خودکفایی به معنای کامل - قسط و عدل در جامعه اسلامی، حمایت بی‌دریغ و همیشگی و فقه اسلامی، ایجاد وحدت و همبستگی، توجه به ملت‌های مسلمان و مظلوم دنیا، عزت بخشیدن به اسلام و ملت‌های اسلامی و مرعوب نشدن در مقابل قدرت‌های جهانی، ایجاد قسط و عدل در جامعه اسلامی، حمایت بی‌دریغ و همیشگی از مستضعفان و محرومان و قشرهای پایین جامعه و لزوم پرداختن به آنها همه ما شاهد بودیم که امام در این خطوط، معرانه و بدون تعلل، حرکتش را ادامه داد. ما باید راه و اعمال صالح و حرکت مداوم او را دنبال کنیم». (فرزای از بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت نخست‌وزیر، هیات وزیران ۱۳۶۸/۳/۱۷)

■ **محورهای سلوک حکومتی امام(ره) از دیدگاه رهبری**
بعد از رحلت حضرت امام خمینی(ره)، گروهی در تلاش بوده‌اند تا راه و خط امام را به صورت انحصاری در راه و روش خودشان متجلی معرفی کنند، در حالی که راه و خط امام به گروه خاصی تعلق ندارد؛ راه و خط امام متعلق به ملت است و بهترین و معتقدترین افراد به خط امام مردم هستند. کسی نمی‌تواند راه و خط امام را متعلق به خود بداند، متأسفانه بعضی افراد مدعی خط امام عملکردی داشته‌اند که با خط امام فاصله زیادی دارد. راه امام حمایت از مظلومان و مبارزه با مستکبران عالم و احیای اسلام ناب محمدی و استحکام ولایت‌فقیه است. متأسفانه بعضی مدعیان خط امام در ادعای خطی امامی صادق نیستند. کسانی که به نفع راهبرد حمایت از لبنان و فلسطین می‌پردازند و شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» سر می‌دهند و با مخالفان حاکمیت امام ناب محمدی و ولایت‌فقیه مرزبندی ندارند، کجا خط امامی محسوب می‌شوند؟ مردم نسخه خط امام را در اختیار دارند، کسی نمی‌تواند با ادعای خط امامی اهداف انحرافی و ضد اندیشه امام را در جامعه پیاده کند. تبیینی

پیمان بسته‌ایم راه امام خمینی(اعلی‌الله‌قدره) را که راه اسلام و قرآن و راه عزت مسلمین است، دنبال کنیم. سیاست «نه شرقی و نه غربی»، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از وحدت و حرکت امت بزرگ اسلامی و فائق آمدن بر عوامل اختلاف و دوگانگی مسلمین در سطح جهان، و مجاهدت برای ایجاد مدینه فاضله اسلامی، و تکیه بر جانبداری از قشرهای محروم و کوخشنین، و به کار گرفتن همه عوامل و امکانات برای بازسازی کشور در سطح داخلی کشور، خطوط اصلی برنامه‌های ما است. هدف اصلی از این همه، زنده کردن دوباره اسلام و بازگشت به ارزش‌های قرآن است و ما یک سر مو از این هدف عقب نخواهیم نشست». (پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۶۸/۴/۱۴)

■ **وفاداری رهبری به امام خمینی(ره)**
امام خمینی(ره) شخصیتی هستند که به ملت ایران و به اسلام عزت بخشیدند. راه امام، راه اسلام است و سیره ایشان در هدایت و رهبری قبل و بعد از انقلاب اسلامی بسیار روشن است و مردم شیوه و سنت ایشان را در طول ۱۰ سال رهبری مشاهده کرده‌اند. مقام معظم رهبری معتقدند که لازم است صادقانه و با عشق و محبت و ارادت در راه امام خمینی (ره) قدم برداریم. ایشان رفتار احساسی و متضاد به نام امام خمینی(ره) و خط امام را رد و بر شناخت صحیح و صادقانه خط امام خمینی و بر وفاداری به آن تاکید می‌کنند: «هدف‌های امام(ره) مشخص و روشن است و احتیاج به کار زیاد ندارد. حال که خدای متعال اینطور مقدر کرد که بنده صالحش در نیمه این راه بار را به دیگران بسپارد و به ملکوت اعلی بپیوندد و در جوار رحمت او آرام بگیرد، ما نخواهیم گذاشت این بار روی زمین بماند. باید همه آحاد ملت - کوچک و بزرگ - مسؤوولان در سطوح مختلف و هر کس که کاری در دستش است، این نکته را حدیث نفس خود کند و پیمان ببندد که راه امام را ادامه دهد و به سمت هدف‌های او حرکت کند. در این صورت، عشق و محبت و ارادت و شاکردی ما نسبت به او صادق خواهد بود؛ و الا اگر در فراق او گریه کنیم و بر سر و سینه خود بزیم، ولی راه او را از سمت دیگر ادامه دهیم، محبت و احترام و وفاداری ما صادقانه نخواهد بود. وفاداری این است که عیناً در همان خط و هدف او حرکت کنیم و به پیرایه نرویم». (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت با فرماندهان و اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۳/۱۸)

■ **آرمان‌های بزرگ امام از دیدگاه رهبری**
امام خمینی(ره) در شریاطی قدم در راه مبارزه نهاد

روح‌الله ازدری: مقام معظم رهبری از شاگردان و از نزدیکان به امام خمینی(ره) قبل و بعد انقلاب اسلامی بوده و به واسطه همین نزدیکی، شناخت عمیقی از راه امام پیدا کرده و در تمام مراحل انقلاب و بعد از آن، با ایمانی راسخ همراه امام بوده و در این راه به مقام بلند جانبازی نیز نایل شده‌اند. امام خمینی(ره) که در اظهار نظر درباره اشخاص دقت نظر خاصی داشته‌اند، درباره مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «من آقای خامنه‌ای را بزرگ کردم». (صحیفه نور، جلد ۷، ص ۱۰۳)

یا در جایی دیگر می‌فرمایند: «در بین دوستان و متعهدان به اسلام و مبانی اسلامی، از جمله افراد نادری هستنید که چون خورشید روشنی می‌بخشید». (صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۱۷۳)

و یا می‌فرمایند: «شما اگر گمان نکنید که در تمام دنیا، رئیس جمهورها و سلاطین و امثال اینها یک نفر را مثل آقای خامنه‌ای پیدا نکنید که متعهد به اسلام باشد و خدمتگزار و بنای قلبی‌اش بر این باشد که به این ملت خدمت کند پیدا نمی‌کنید». (صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۱۷۰)

اعتماد حضرت امام خمینی به رهبر معظم انقلاب چنان بوده که به شهادت یادگار گرمی امام، مرحوم حاج‌الاسلام والمسلمین حاج‌احمدآقا خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، ایشان را شایسته رهبری و مقام ولایت بعد از خود دانسته‌اند. راه و خط امام خامنه‌ای همان راه و خط امام خمینی(ره) است. امام خامنه‌ای از شاگردان بارز حضرت امام خمینی بوده‌اند و سال‌ها در حوزه علمیه قم و سپس در جریان انقلاب و پس از آن در مناصب متعدد از امام درس سیاست و دیانت آموخته‌اند. قطعا در تبیین اندیشه امام انقلاب اسلامی، کسی محق و صاحب اولویت است که شاگرد، یار و همراه امام خمینی در کوران حوادث تاریخی بوده باشد. امام خامنه‌ای در شناخت راه و اهداف امام خمینی(ره) بسیار عمیق اندیشیده و با درک زوایا و شاخه‌های راه امام، در تداوم این راه کوشیده‌اند. مقام معظم رهبری از خط و اهداف سیاسی و الهی امام خمینی شناخت عمیقی دارند و به واسطه همین معرفت است که ایشان به تحقق اسلام ناب محمدی به عنوان عالی‌ترین هدف امام متعهد بوده و تلاش کرده‌اند خود مفسر اندیشه امام باشند و از تحریف اندیشه ایشان جلوگیری کنند.

مقام معظم رهبری از همان آغازین روزهای رهبری به تبیین راه و منش امام خمینی(ره) پرداخته و به وفاداری خود و مردم به راه امام خمینی(ره) تاکید کرده‌اند: «ما با خدا

مجاهد الهی

که عظمت و هیمنه قدرت‌های جهانی در نظر او هیچ و سوچ بود، آن سر در مقابل عظمت الهی، در حال دعا و استغاثه، آن جور اشک می‌ریخت. اینها خیلی قیمت دارد. این فرصت‌ها را قدر بدانید.

یکی از چیزهایی که در همین زمینه (امساله محاسبات معنوی و الهی در خط امام) وجود داشت، رعایت تقوای عجیب امام در همه امور بود. تقوا در مسائل شخصی یک حرف است، تقوا در مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکل‌تر است، خیلی مهم‌تر است، خیلی اثرگذار است. ما نسبت به دوستان‌مان، نسبت به دشمنان‌مان چه می‌گوییم؟ اینجا تقوا اثر می‌گذارد. ممکن است ما با یکی مخالف باشیم، دشمن باشیم، درباره او چگونه قضاوت می‌کنید؟ اگر قضاوت شما درباره آن کسی که با او مخالفید و با او دشمنید، غیر از آن چیزی باشد که در واقع وجود دارد، این تعدی از جاده تقواست. آیه شریفه‌ای که اول عرض کردم، تکرار می‌کنم: «یا ایها الذین امنوا اتقواالله و قولوا قولا سدیداً». قول سدید، یعنی استوار و درست؛ اینجوری حرف بزیم، من می‌خواهم عرض کنم که جوانان عزیزمان، جوان‌های انقلابی و مؤمن و عاشقی امام، که حرف می‌زنند، می‌نویسند، اقدام می‌کنند؛ کاملاً رعایت کنید. اینجور نباشد که مخالفت با یک کسی، ما را وادار کند که نسبت به آن کس از جاده حق تعدی کنیم، تجاوز کنیم، ظلم کنیم؛ نه، ظلم نباید کرد. به هیچ کس نباید ظلم کرد.

من یک خاطره از امام نقل کنم. ما یک شب در خدمت امام بودیم. من از ایشان پرسیدم نظر شما نسبت به فلاں

یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خدا نماز است. نماز به ما این فرصت را می‌دهد که هر روزی چند بار ناگزیر با خدای خودمان حرف بزیم، با خدای متعال مخاطب کنیم، از او کمک بخواهیم، به او عرض نیاز کنیم، سرسپردگی خودمان به ساخت ربوبی را با این تضرع و با این نیاز تقویت کنیم. بزرگان به نماز خیلی اهمیت می‌دادند. نماز در اختیار همه است. غالباً قدر نماز و اهمیت نماز را نمی‌دانیم. فقط این نیست که باید یک اسقاط تکلیفی کرده‌ند، نه، یک فرصت بزرگی است که باید از آن استفاده کرد. فرمود نماز مثل چشمه آبی است در خانه شما، که روزی ۵ بار شما در این چشمه آب شست‌وشو می‌کنید. این شست‌وشو می‌تواند برای دل‌های جوان آثار ماندگاری داشته باشد. با طهارت و تقواست که می‌توان سخن نافذ و تاثیرگذار را از خدای متعال هدیه گرفت.

یک علت اینکه امام بزرگوار ما یک کلمه‌اش در این فضای عظیم عمومی کشور، در شدت و محنت، در همه حالات اثر شگفت‌آوری می‌گذاشت، معنویت او بود، صفای باطن او بود، از تبساط و اتصال او به خدا بود، اشک‌های نیمه شب او بود. فرزند امام - مرحوم حاج سیداحمد - همان وقت در زمان حیات امام به من گفت: نیمه شب که امام بلند می‌شود، از بس گریه می‌کند، این دستمال‌های معمولی برای پاک کردن اشکش کفاف نمی‌دهد؛ مجبور است اشک چشمش را با حوله پاک کند؛ اینقدر اشک می‌ریزد. آن مرد پولادین، آن مردی که حوادث و لطماتی به سمت او سرازیر می‌شد که یک ملت را تکان می‌داد و او را تکان نمی‌داد، آن مردی

یکی از ابعاد مهم شخصیتی امام خمینی که رهبر معظم انقلاب همیشه بر مطرح کردن و تاکید بر آن اصرار دارند، ابعاد معنوی امام خمینی است. در اینجا به خاطرات و نکاتی که رهبر معظم انقلاب درباره ابعاد معنوی شخصیت امام(ره) ایراد کرده‌اند، می‌پردازیم:



باشیم. در یک قضیه‌ای که من مکرر این را نقل کردم، ایشان (امام خمینی) به من فرمود که از اول انقلاب تا امروز - آن روز حدود سال ۱۳۶۵ بود - همه جا دست قدرتی را مشاهده می‌کنیم که دارد ما را کمک می‌کند و جلو می‌برد. او این دست قدرتی را می‌دید. نگاه امام به ملت ایران با نگاه دیگران فرق داشت. همان روز اگر می‌خواستیم قضاوت بسیاری از نخبگان علمی دینی و غیردینی و سیاسی و غیره را درباره ملت ایران مشاهده کنیم، می‌دیدم قضاوت‌ها قضاوت‌های عجیب و غریبی است. بعضی این ملت را با ایمان نمی‌دانستند، بعضی دارای صداقت نمی‌دانستند، بعضی به نیرو و به وفای آنها شک می‌کردند - که ما اینها را شنیدیم، از خیلی‌ها شنیدیم - اما امام سال ۱۳۴۱ در همین شهر قم، آن وقتی که هنوز هیچ خبری از این اجتماعات عظیم نبود، در همین مسجد اعظم گفت اگر ما به مردم فراخوان بدهیم، این صحرا قم را از جمعیت پر می‌کنند؛ لیبک می‌گویند، نگاه او به مردم، یک چنین نگاهی بود، مردم را شناخت. آن عنصر بارز ارزش اکسیرگونه‌ای که منس‌ها را طلا می‌کند، این را در جان و دل مردم کشف کرد و آن را به کار گرفت. لذا با این موانع بزرگی که در سر راه وجود داشت، انقلاب پیروز شد. هیچ تحلیلگری باور نمی‌کرد که این اتفاق در اینجا بیفتد. او تکیه به خدا کرد، توکل به خدا کرد، وارد عمل شد، با دل مردم تماس برقرار کرد و مردم به صحنه آمدند و این حرکت عظیم اتفاق افتاد، بعد هم مساله بسیج را مطرح کرد.